

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رہبانیت**

سال شانزدهم، شماره ۶۰، پاییز ۱۴۰۱  
صفحه ۸۵ تا ۱۰۲

## الگوی قدرت دوگانه سلطان - فقیه؛ از تکوین تا مشروطیت

زهرا علیزاده جدا / دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Zahra.alizadehjoda@yahoo.com  
علی اکبر خدری زاده / استادیار گروه تاریخ، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) khedrizehdeh@yahoo.com  
محمد کلهر / استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، kalhor.mohammad72@gmail.com

### چکیده

براساس مبانی اسلامی، حاکمیت از آن خداست که سپس به پیامبر تفویض شده، و وفق اعتقادات شیعه و اصل امامت، در ولایت ائمه تداوم یافته است. از همین رو، یکی از موضوعات تاریخ اندیشه سیاسی شیعه غاصب بودن حکومت‌ها و جواز یا عدم جواز همکاری با حکومت جور بوده است. چنین اصولی موضوع چگونگی همکاری فقها با دستگاه سیاسی مستقر را در کانون تحلیل قرار می‌دهد. در همین رابطه، پرسش اصلی این مقاله بر آن است که اشکال رابطه سلطان و فقیه تا عصر قاجاری بر چه الگوهایی استوار بوده است؟ فرضیه مقاله بر این است که رابطه سلطان-فقیه به تبع تحول در مناسبات اجتماعی و سیاسی دگرگون شده و توانسته است با توجه به امکاناتی که در فقه شیعه وجود دارد متناسب با اقتضائات زمانه بازسازی شود. یافته‌های مقاله نشان داده است که الگوی دوگانه سلطان-فقیه، در طی ادوار تاریخی مختلف، از اعراض تا همکاری را پیموده است که مقدمات نظری-تاریخی تحقق ولایت فقیه در دوره نهایی را فراهم کرده است. چارچوب نظری پژوهش از منظر تاریخ اندیشه سیاسی تدوین شده است. روش مقاله توصیفی-تاریخی است و داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای-اسنادی جمع‌آوری شده‌اند.

**کلیدواژه:** فقه و سیاست، قدرت، سلطان، ولایت فقیه، حکومت جور، عصر غیبت

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۸/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶

## مقدمه

هر چند از نظر تاریخی، تشیع به عنوان یکی از دو جریان اصلی اسلام در زمان حیات پیامبر(ص) ایجاد شده و در طول زمان قوام یافته، اما نقش آفرینی آن در نظام حکمروایی کشورهای اسلامی تا مدت‌های مدید به سبب ماهیت استبدادی و شیعه‌ستیز دو سلسله پادشاهی امویان و عباسیان محدود بوده است. علت این امر را می‌توان در اختلاف تاریخی و تفسیری علمای دو مذهب تشیع و تسنن جستجو کرد. چرا که علمای اهل سنت بر خلاف شیعیان به مسئله امامت اعتقاد نداشتند و به تیم آن، بر لزوم حفظ قدرت در نزد امامان معصوم پایبند نبودند، زیرا که اصل امامت به عنوان اولین و اصلی‌ترین وجه تمیز این دو را از یکدیگر جدا می‌کرد. امامت پیوندگاه مذهب و سیاست بود و امام مرجعیت دینی و رهبری سیاسی هر دو را برعهده داشت شیعه در تفسیر آیه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی» رهبری معصوم را تمام و کامل کننده دین تلقی می‌کرد (حسینی - زاده، ۱۳۷۹: ۱۲۵).

محققان حوزه حکومت در اسلام بر این باور هستند که حاکمیت در این دین مختص به خداوند است و از سوی او به اولیای برگزیده الهی تفویض گردیده است بر این اساس حکومت در دایره اختیار امامان معصومی قرار می‌گیرد که در زمره اولیای الهی شمرده شده‌اند (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۷۸) و به این ترتیب همه خلفا یا حاکمانی که در فهرست امامان معصوم قرار نداشته باشند فاقد صلاحیت حکومت و رهبری جهان یک جامعه یا کشور اسلامی هستند (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۵۳). به دسته اول «سلطان الجور» یا حاکم جائر می‌گویند که منظور غیر امام معصوم و ولی فقیه است، که اگر بر مردم اعمال قدرت و سلطه نماید، سلطان جور نامیده می‌شود. در مقابل حاکم جائر، «سلطان الحق» قرار می‌گیرد که به امام معصوم و ولی فقیه اطلاق می‌گردد (مروج، ۱۳۷۹: ۲۷۸). بنابراین در تفسیر معنای حاکمیت در اسلام گفته‌اند که آن دو جهت دارد: یکی از جهات حاکمیت، ولایت والیان عدل است که خداوند به ولایت آنان و پذیرش ولایت آنان بر مردم دستور داده است و ولایت کارگزاران آنها و کارگزاران کارگزاران‌شان تا پایین‌ترین مرتبه که هریک از این‌ها دری از درهای ولایت بر کسی که او والی بر اوست. و جهت دیگر ولایت، حکومت حاکمان ستمگر و کارگزاران کارگزاران‌شان تا پایین مرتبه آن‌هاست و هریک از آن‌ها دری از درهای ولایت جور بر کسی که او والی جور بر اوست (بروجردی، ۱۳۸۶: ۳۲۱).

لذا از همان ابتدا ما در اندیشه سیاسی شیعه با یک دوگانه روبرو هستیم که از همان آغاز باعث شده از دوران شکل‌گیری سلسله اموی و پس از آن، حکومت عباسیان، انتقادات متعددی از سوی فقها و علمای شیعه متوجه نهاد حاکمیت گردد و از این سلسله‌ها و دودمان‌های پادشاهی به مثابه حاکمانی یاد گردد که برخلاف سنت فکری تشیع به غضب حکومت پرداخته‌اند (شیخ الاسلامی، ۱۳۷۸). چرا که از نظر اندیشه سیاسی شیعه در هر حال ولایت ائمه (ع) به معنی وجوب اطاعت امت از آنان، نه تنها به لحاظ فروع دین، بلکه به مقتضای اصول دین بخشی از اعتقادات اسلامی - ایمانی محسوب می‌شود و همه معانی و مراتب ولایت را به جز اخذ مستقیم وحی که خاص نبی اکرم (ص) می‌باشد در ولایت ائمه (ع) مستمر است و ائمه (ع) حامل ولایت تبلیغ و ولایت اجرا و تنفیذ احکام الهی هستند و به همین دلیل است که حکومت بر امت اسلامی که یکی از شئون ولایت اجرایی می‌باشد اختصاص به آنان دارد و در زمان حضور هر نوع حکومت بر مسلمین بدون اذن آنان حکومت جائز و طاغوت محسوب می‌شود (عمیدزنجانی، ۱۳۹۱: ۱۴۶).

اساساً نسبت مذهب و سیاست، دین و دولت، توحید و ولایت، در اندیشه شیعی قائم به امام معصوم است. دوران دو و نیم سده‌ای حضور امامان مراحل مختلفی را در بر گرفت و حرکت در جهت ایجاد نظام امامت و برپایی حکومت امام معصوم اشکال گوناگون را پشت سر گذارد. این مبارزه گاهی علنی و زمانی مخفی در مقطعی به صورت قیام مسلحانه و در مقطعی دیگر پوششی فرهنگی، فقهی و سیاسی به خود می‌گرفت، اما در هر حال اصل جهاد برای اقامه حکومت حق و عدل تحت رهبری معصوم بی‌وقفه ادامه داشت. در این دوران جامعه شیعی مستقیماً با امام ارتباط داشت و در زمینه نظری و عملی از وی کسب تکلیف می‌کرد. هر چند که پس از رحلت هر امامی بر سر شناخت جانشین او و امام بعدی انشعابی در پیکره شیعه ایجاد می‌شد. اما شاخه اصلی شیعه که همان تشیع امامی و اثنی عشری بود تا حضور یازدهمین امام معصوم حیات و وحدت خود را حفظ کرد و تداوم یافت (کرکی، ۱۴۱۷: ۶۶-۶۵). در این دوران، مسئله مشارکت علما در حکومت به یک مسئله غامض در نزد علمای شیعه تبدیل گردید. چرا که برای برخی از علما اساساً حکومت غیر معصوم یک امر ناپسند بوده است و نظام سلطنت به عنوان یک ساختار حکومت نگریسته می‌شد که به صورت غیرقانونی و غیر شرعی حکومتی را که در حیطه صلاحیت امام معصوم بوده را غضب کرده است. با این وجود، در طی زمان با توجه به

غیبت معصوم، علمای شیعه به ضرورت مشارکت در فرآیند حکمرانی واقف گردیدند و تلاش نمودند تا مبنای مناسبی را برای همکاری با نظام پادشاهی طراحی نمایند. این پژوهش بر اساس شناسایی و تحلیل سیر تحول اندیشه فقه شیعه برای همکاری با نظام سلطنت و شکل‌گیری رابطه فقیه-سلطان بنیاد یافته است و تلاش دارد تا در یک بررسی تاریخی سیر تکامل این رابطه دوگانه قدرت را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. مدل پژوهشی این تحقیق استوار بر تاریخ اندیشه سیاسی در سده‌های میانه تمدن اسلامی است. بر مبنای الگوی تقریباً پذیرفته شده، و البته کمی کلیشه‌ای شده روزنتال، تاریخ اندیشه سده‌های میانه غالباً در سه مدل ژانرهای آینه شاهی (سیاستنامه نویسی)، شریعنامه نویسی، و فلسفه سیاسی دنبال شده است (Rosenthal, 1957). اما با توجه به محدودیت‌هایی که این مدل ایجاد می‌کند، از جمله آن که برخی از آثار سیاسی، مثلاً عرفان سیاسی، را از دایره پژوهشی بیرون می‌گذارد، سزاوار است که تحقیق در تاریخ اندیشه سیاسی را بر مبنای صورت مسئله‌های متفاوت و موضوعی دنبال کرد. لذا در اینجا منظور از پژوهش از منظر تاریخ اندیشه سیاسی، با عنایت به نقدهایی که به الگوی رایج شده روزنتالی وارد است، آن است که تحولات تاریخی در این تحقیق تا آنجا موضوعیت دارد که نسبتی با دگرگونی‌های اندیشه سیاسی برقرار می‌کند، فلذا فرع بر آن است. بنابراین تحقیق حاضر از منظر تاریخ اندیشه سیاسی، «ظهور مداوم و مجدد برخی از صورت مسئله‌ها» را دنبال می‌کند که چگونه «تجدید آرایش مفاهیم» (بوشه، ۱۳۹۵: ۳۵) پیدا می‌کند و متاثر از، و تاثیرگذار بر، حوادث تاریخی تحولات فکری و مفهومی مستقلی را دنبال می‌کنند.

### ادبیات پژوهش

اگرچه در حوزه اندیشه سیاسی در اسلام آثار پژوهشی و تحقیقی متعدد و مختلفی نوشته شده است، اما در رابطه با این موضوع خاص - رابطه سلطان و فقیه در سده‌های میانه تمدن اسلامی - کتب و رسائل قابل توجهی در دسترس نیست و از این منظر می‌توان گفت که با کمبود منابع روبرو هستیم، معهذاً چند اثری وجود دارد که ذیلاً معرفی می‌شود:

۱- کتاب «فقیه و سلطان، جدال دین و سیاست در دو تجربه تاریخی عثمانی و صفوی (الفقیه و السلطان جدلیة الدین و السیاسة فی تجربتین تاریختین العثمانیة و الصفویة - القاجاریة)» نوشته «وجیه کوثرانی» که در سال ۲۰۱۵ میلادی توسط مرکز العربي للابحاث ودراسة السیاسات منتشر شده است. وجیه کوثرانی نویسنده کتاب، بر این باور

است که برآمدن دولت عثمانی در آسیای صغیر (ترکیه) و بخش اعظم منطقه عربی و دولت صفویه و امتداد آن یعنی قاجاریه در ایران، از تأثیر گذارترین مراحل تاریخ اسلام است که بر اندیشه، خودآگاه و حافظه افراد و گروه‌های کنونی جهان اسلام تأثیر فاحشی داشته است. نویسندگان با بررسی آثار فقها و فلاسفه اسلامی از ماوردی تا نایینی گستره قابل توجهی را مورد پژوهش قرار می‌دهد. اختلاف دیدگاه نویسنده با این مقابل از نقطه عزیمت کار است. در حالی که نگاه کوثرانی معطوف به شرایط معاصر است، این مقاله بدون بازخوانی تاریخی و گونه‌ای پژوهش در ریشه‌ها است.

۲- زهرا علیزاده جدا و علی اکبر خدری زاده در مقاله «الگوی دوگانه سلطان و فقیه در دوره فتحعلیشاه» به موضوعی مشابه با این پژوهش پرداخته‌اند. آنها بر این باورند که الگوی آرمانی شیعه، حکومت امام معصوم یا نایب انتصابی امام است. ولی با شروع دوره غیبت امام دوازدهم شیعه، به تدریج الگوی قدرت دوگانه سلطان - فقیه در میان فقهای شیعه رواج پیدا کرده و در دوره صفوی به مورد اجرا گذاشته شده است. از نظر نویسندگان این الگو اگرچه در دوره‌های افشار و زند مورد بی توجهی حکومت واقع شده اما با قدرت‌یابی فتحعلیشاه قاجار بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. آشکارا پیدا است که به رغم مشابهت در موضوع، گستره پژوهشی این تحقیق با آن مقاله تفاوت‌های قابل توجهی دارد.

۳- جمیله کدیور در کتاب «تحول گفتمان سیاسی شیعه در ایران» به مسئله تحول درونی و گفتمانی فقاقت شیعه پرداخته است و در این پژوهش به ابعادی از رابطه با نظام سیاسی نیز توجه نشان داده است. اما بر بدیهی است که کدیور در این کتاب به یکی از اضلاع این پژوهش پرداخته است یعنی صرفاً بر بُعد فقهی آن متمرکز شده است. لذا به‌رغم همپوشانی‌های موردی و گستره پژوهشی تقریباً یکسان، ولی پروپلماتیک اصلی این دو تحقیق با یکدیگر متفاوت است.

### آغاز عصر غیبت و پیدایش مسئله جانشینی در فقه شیعه

با رحلت امام حسن عسگری در سال ۲۶۰ هجری جامعه شیعی یک‌بار دیگر با تنش و تلاطم تازه‌ای درخصوص جانشینی امام روبرو شد اما در این مرحله به دلیل غیبت امام بعدی، این تلاطم و تشعب شدیدتر بود به طوری که نوبختی نوشته است پیروان امام یازدهم بعد از وفاتش به چهارده فرقه تقسیم شدند. با این همه تا سال ۳۲۹ هجری امام غایب

از طریق چهار تن از یارانش به عنوان (نواب اربعه) با جامعه شیعی ارتباط داشت و شیعیان از طریق آن‌ها پاسخ پرسش‌ها و معضلات فکری و سیاسی خویش را از او دریافت می‌کردند (لمبتون، ۱۳۷۴: ۳۱۵).

به‌رغم تلاش‌های چندی که در غیبت صغری از جانب نواب و وکلای امام برای ایجاد آمادگی در جامعه شیعی برای ورود به عصر غیبت کبری انجام شده بود ولی با آغاز عصر غیبت اکثریت شیعیان را حیرت و سرگشتگی فراگرفت و بسیاری از علما نیز در این تحیر شریک بودند. چنان که به گفته ابن ندیم ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی نخستین کسی بود که عقیده داشت امام دوازدهم در طول غیبت در گذشته و پسرش جانشین او شده و امامت در نسل او ادامه می‌یابد تا خداوند حضرتش را زنده کند. درواقع این دوره از تاریخ تشیع را می‌توان دوره بحران در مرجعیت دینی و رهبری سیاسی نامید (مظفر، ۱۴۱۷: ۱۰۲). در این دوره علمایی چون صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، و شیخ طوسی کوشیدند تا با بهره‌گیری از استدلال‌ات کلامی به حل مسأله غیبت برای شیعیان پردازند و به تدریج با انتقال از دوره اخبار و احادیث به عصر افتاء و اجتهاد، خلأ مرجعیت دینی و فکری را در جامعه شیعی پر کنند اما آثار غیبت کبری بر موقعیت فقهاء و علماء امامیه در ارتباط با خلأ مرجعیت و رهبری سیاسی تا مدت‌زمانی دیگر ادامه یافت؛ از عصر غیبت کبری به بعد جامعه شیعی چند مرحله مختلف را به لحاظ سیاسی و اجتماعی رویاروی خود دید که می‌توان آن را به دوره آل‌بویه، دوره غزنویان و سلجوقیان که خود به دو مرحله ۱. ورود طغرل به بغداد تا مرگ ملک‌شاه و خواجه نظام‌الملک و ۲. مرحله پس از آن تا ظهور مغول و سرانجام دوره مغول تا صفویه تقسیم کرد (آل کاشف الغطاء، ۱۴۱۳: ۶۹-۶۸).

علما و فقهاء شیعی در تمام این دوره‌ها و مراحل در برابر مسأله حکومت و رهبری دو کنش متفاوت در دو قلمرو جدا از یکدیگر از خود نشان دادند، یکی قلمرو نظری و دیگری قلمرو عملی؛ در قلمرو نظری اصل بر عدم مشروعیت حکومت‌ها، تأکید بر اصل وجوب امام معصوم و منصوب از جانب خدا، و اصالت و حقانیت نظام امامت در مقابل سایر نظام‌های دیگر از قبیل نظام خلافت یا سلطنت بود. در حالی که در قلمرو عملی، در جهت حفظ مذهب و جامعه شیعی به کوشش‌های فقهی و کلامی خود برای تبیین و تفسیر مکتب و به اقتضای شرایط نزدیکی به حکومت‌ها و تأثیرگذاری بر آنان مبادرت ورزیدند (زبیا کلام، ۱۳۷۷: ۱۵۷).

### آغاز ابراز علنی اعتقادات اهل تشیع در دوره سلطنت آل بویه

در عصر آل بویه که شیعه توانست به طور علنی به انتشار عقاید خود فارغ از خطرات و تقیه دست یابد علماء شیعی با تألیف آثار خود منابع و متون اولیه کلام، فقه و فرهنگ شیعه را ایجاد کردند. به جز (کافی) از کلینی سه کتاب دیگر از کتب اربعه شیعه یعنی «من لا یحضره الفقیه» (شیخ صدوق) «تهذیب و استبصار» (شیخ طوسی) محصول همین دوره می باشد. کوفه و قم در این زمان دو مرکز مهم حدیث و فقه شیعه بود که شهر بغداد، محل تلاقی آنها، بزرگانی چون شیخ مفید (۴۱۳-۳۳۶)، سیدمرتضی (۴۳۶-۳۵۵) و شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰) را در خود جای داده بود. ارتباط شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱) با صاحب بن عباد وزیر دانشمند آل بویه و مجالس بحث و مناظره او در حضور رکن الدوله بویه با علماء مخالف، همچنین تقرب شیخ مفید در نزد عضدالدوله دیلمی (فرزند و جانشین رکن الدوله) بیانگر مناسبات حسنه علماء شیعی با سلاطین دیلمی است، به طوری که عضدالدوله به مفید خلعت می بخشد و چند قریه در حوالی بغداد را به سیورغال او می داد و هنگامی که درگذشت، به گفته ابن کثیر، هشتاد هزار رافضی و شیعی جنازه او را تشییع کردند. پس از او شاگردش سید مرتضی و برادر وی سیدرضی همچنان از اعتبار برخوردار بودند به گونه ای که فخرالملک وزیر برسر جنازه سیدرضی نماز می گزارد (صدر، بی تا: ۲۰-۱۹). حکومت آل بویه (۴۴۷-۳۲۴) با ورود طغرل سلجوقی به بغداد برجیده شد و این رابطه از هم گسست (الگار، ۱۳۵۶: ۶).

### پایان دوره آل بویه و تحول در فقه شیعه

با احیای خلافت و استقرار سلطنت ترکان سلجوقی دوره آزادی شیعیان به سر رسید و عصر اختناق و فشار بر شیعه آغاز شد. شیخ طوسی، شاگرد مفید و مرتضی - که در این زمان ریاست عالیّه جامعه شیعی را عهده دار است - در حالی که کتابخانه اش به آتش کشیده شد مجبور به ترک بغداد و مهاجرت به نجف گردید. بدین ترتیب تعصب و فشار ضد شیعی که در عهد غزنوی در مشرق ایران دنبال می شد در عصر سلاجقه به صورت سخت تری تداوم یافت. (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۱ / ۴۰).

شیعیان اعم از میانه رو، اسماعیلی و غلات مورد تعقیب و ایذاء قرار می گرفتند. شیعه امامیه و فقهای ایشان ناگزیر عقیده خویش را پنهان و تقیه می کردند. دوره ای که از اواسط قرن پنجم هجری آغاز می گردد و تا هجوم مغول یعنی ربع اول قرن هفتم ادامه می یابد، از

لحاظ بسط و نشر ادبیات و تألیفات شیعه نامساعد بوده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۳۹). به این ترتیب جامعه شیعی که انتظار زودرس ظهور مجدد امام را داشت تا حدی که کسانی چون (محمدبن احمدبن ولید) از دریافت خمس امتناع می‌ورزیدند - به مرور زمان و به تجربه آموخت که خود را با شرایط و مقتضیات عصر غیبت تطبیق دهد و در این تطبیق از وجود یک مرجعیت دینی و به تبع آن نوعی رهبری سیاسی گریزی نبود. چیزی که امامان در دوره حضور کوشیده بودند تا شیعه را برای آن آماده کنند (نصر، ۱۳۷۹: ۱۷۱).

گسترش اختیار فقها، در نتیجه طولانی شدن غیبت امام، عاملی شد برای حفظ وحدت در جامعه امامیه، که البته این گسترش به تدریج تحقق یافت به گونه‌ای که پس از مدتی، فقهایی چون شیخ مفید و طوسی سهم سادات از خمس را می‌پذیرفتند و خود را مجاز به توزیع آن می‌دانستند اما همچنان سهم امام را قبول نمی‌کردند چنان‌که طوسی در نهایه می‌گوید: «کسی را نیست تصرف کند در چیزی از این چیزها که امام مستحق آن است از انفال و اخماس الا به دستور وی و اگر کسی تصرف کند... وی غاصب باشد... و این در حال ظهور امام باشد اما در حال غیبت رخصت کرده‌اند شیعه خود را که تصرف کند در حقوق ایشان از آنچه تعلق به اخماس دارد به آن چیزی که ایشان را ناگزیر می‌باشد از بردگان برای مناکحت و بازرگانی و سراها که در وی بنشینند. اما آنچه جز از این است روا نبود تصرف - کردن به هیچ حال، و آنچه ایشان مستحق آنند از خمس‌ها در گنج و جز از این در حال غیبت، قول اصحاب ما مختلف است بعضی گفته‌اند که آن همچنان است که ما را مباح کرده‌اند (الشریف‌المرتضی، ۱۴۰۵: ۹۴-۸۹).

اما با این همه حکومت، حق امام معصوم بود و همه حکومت‌های دیگر به عنوان احکام جور و نامشروع نفی گردید و مفید در کتاب مقننه می‌نویسد: «فاما اقامه الحدود فهو الی سلطان الاسلام المنصوب من قبال الله تعالی وهم ائمه المهدی من آل محمد(ص)» و علامه حلی در تذکره، در خصوص نماز جمعه می‌گوید: (بیشتر فی وجوب الجمعة السلطان او نایب)؛ و در ادامه توضیح داده است که: (اجمع علماء ناکافه علی اشتراط عدالة السلطان وهو الامام المعصوم اومن یأمر بذلک) و بدین ترتیب فقها و علما شیعی سلطان اسلام، سلطان، سلطان عادل و امام را منحصر در امام معصوم می‌دانسته‌اند. در این راستا بوده است که علماء شیعی در تألیفات دفاعی یا تبلیغی خویش به جد می‌کوشیدند که ضمن اثبات ضرورت وجود امام در همه زمان‌ها، ویژگی‌ها و صفاتی چون علمیت، عصمت و نصب از

جانب خداوند را شرایط ضروری برای امام و حاکم مشروع جامعه اسلامی معرفی نمایند؛ و در فتاوی فقهی مواضعی چون تحریم پذیرش حکومت طاغوت و وجوب تبعیت از امام عادل (نظر صدوق) و تحریم همکاری با پادشاه گمراه و سلاطین جور (نظر مفید) و حکومت و ولایت از آن سلطان اسلام یامن تصح نیا به عنه (که به معنی نایبان و منصوبان خاص امام معصوم است) توسط ابوالصلاح حلبی (۳۷۴-۴۴۷) عنوان می‌گردد. با این حال، فعالیت علمی و فقهی شیعه پس از شیخ طوسی و در عصر متقدم سلجوقی به نوعی رکود و توقف دچار گردید (جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

این دوره که برای تاریخ فقه و فرهنگ شیعی یکی از دوره‌های محنت‌زا و سخت بود با تعصبات شدید ضد شیعی از طرف سلاطین سلجوقی و وزراء متعصب و سخت‌گیری چون خواجه نظام‌الملک طوسی به اوج خود می‌رسد. سیر الملوک یا سیاست‌نامه او به قول برخی مفسرین پر از داستان‌هایی است که حاکی از تمایلات ضد شیعی نیرومند مولف آن است که به دلایل تبلیغاتی همه فرق شیعه را با اسماعیلیان بسیار هولناک یکی می‌دانست. پس از مرگ نظام‌الملک طوسی و در دوره بعد از سلطنت ملک‌شاه فضای نسبتاً بازتری برای فعالیت شیعیان فراهم گردید. مدارس و مراکز شیعی تاحدودی رونق یافت و رفته‌رفته ضمن تضعیف دشمنان - خلافت عباسی - و رقبای - زیدیان و اسماعیلیان - شیعیان امامی عرصه وسیع‌تری را برای گسترش مذهب و تبلیغ اعتقادات خویش به‌دست آوردند. ما می‌توانیم انعکاس چنین موقعیتی را به‌خصوص در کتاب النقص نوشته عبدالجلیل قزوینی مشاهده کنیم (صدوق، ۱۳۸۶، ۱/ ۲۵۳).

### آغاز و تکامل قدرت دوگانه سلطان\_فقیه

با به وزارت رسیدن تاج‌الملک قمی شیعی مرحله نزدیکی شیعه به دستگاه حکومت و نفوذ در آن مجدد آغاز می‌گردد و آن‌چنان توسعه می‌یابد که فریاد اعتراض نویسنده ضد شیعی کتاب بعض فضائح الروافض را بلند می‌کند و می‌گوید: «در هیچ روزگاری این قوت نداشتند که اکنون که دلیر شده‌اند و به همه دهان سخن می‌گویند هیچ سرایی نیست از ترکان که در او ده پانزده رافضی نیستند و در دیوان‌ها هم دبیران ایشانند.» مقارن با حرکت شیعه در داخل ایران، علماء شیعی عرب در عراق نیز فعالیت را از سر می‌گیرند و به عنوان نمونه ابن ادریس حلی (متوفای ۵۹۸) صاحب السرائر و نوه دختری شیخ طوسی نیز باب مرآه را با امیر سیف الدوله مزیدی، حاکم حله، می‌گشاید تا حوزه علمی حله در شیعه را

پس از قم، بغداد و نجف، رونق ببخشد. نفوذ و توسعه جامعه شیعی در پیش از مغول، تا دوره خوارزمشاهیان نیز ادامه می‌یابد به گونه‌ای که تضادهای میان سلطان خوارزمشاهی و خلیفه عباسی بدانجا می‌انجامد که سلطان محمد از ائمه مملکت فتاوی گرفت که آل‌عباس در بسط خلافت محقق نیستند (آبادیان، ۱۳۸۳).

دوره مغول و پس از آن آغاز عصرجدیدی در تاریخ حیات سیاسی شیعه و روابط علما و فقهاء شیعی با حکومت‌ها می‌باشد که با دو ویژگی آن را از دوره‌های قبل متمایز می‌گرداند: ۱. ورود وسیع و گسترده عالمان و فقیهان شیعی به عرصه فعالیت‌های سیاسی و ایجاد رابطه با دولت‌ها ۲. بروز و ظهور جنبش‌ها و قیام‌های شیعی امامی و نهضت‌های مردمی با صبغه تفکرات امامی؛ اما پیش از آن این پرسش چهره می‌نماید که چرا شیعه امامی در طول قرون گذشته به‌ویژه از سده سوم تا هفتم هجری و در دوران غیبت کبری تحرک خاصی را در زمینه مبارزه با حکومت‌ها و دستگاه خلافت و سلطنت علی‌رغم نامشروع دانستن آنها از خود بروز نداد. بود (جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۶۴). پاره‌ای از محققان خواسته‌اند جواب این سوال را در اعتقادات شیعی چون امامت معصوم، غیبت، تقیه و انتظار فرج جست‌وجو کنند. اما بدون نیاز به هرگونه استدلال کلامی مشاهده اعتراضات و جنبش‌های ضدحکومتی امامیان از دوره مغول به بعد این نظرگاه را مردود می‌نمایند. چراکه در تشیع این دسته از امامیان نیز باور بدان معتقدات وجود داشته است.

پس از تأسیس دولت صفویان در ۱۵۰۱ میلادی با ادعای شاه که خود را از تبار امامان می‌دانست و نیز به سبب درآمدن اندیشه‌های صوفیانه در مفهوم فرمان‌روائی نتیجه‌های عملی انکار حقانیت حکومت به ضعف گرائید. گذشته از این از آنجا که عالمان برای تأسیس و گسترش نهادهای خود و انجام دادن وظیفه بسیار مهم نشر مذهب شیعه در میان مردم به مقیاس وسیع به پادشاه وابسته بودند برای حکومت که می‌خواست از این رابطه سود برد طبیعی بود که در میان عالمان اهمیتی گسترده به دست آورد هرچه عالمان از لحاظ پایگاه‌های نهادی خود نیرومندتر شدند این نظریه آنها که رابطه‌شان با حکومت سودمند است سست‌تر شد و ما می‌بینیم که یکی از عالمان به نام شیخ احمد اردبیلی تا آنجا پیش رفت که به شاه عباس تذکر داد که تو بر ملک عاریه حکومت‌داری. با وجود این عالمان دوران صفویان از این عقیده که حکومت رسمی بر حق نیست نتیجه‌های اساسی آشکار یا پایداری نگرفتند. اکثریت فقها در عصر صفویه تا پایان دوره قاجار بر مبنای نظریه سلطنت

مشروع به تفکیک وظایف با سلطان پرداخته‌اند؛ به این مضمون که امور شرعی، صدور فتوا و احکام قضایی و حدود شرعی در اختیار فقها قرار داشت و همزمان امور عرفی حکومت که شامل سلطنت و تدبیر در حکمرانی می‌شد در اختیار پادشاهان قرار داشت (جعفری‌شبه فرد، ۱۳۸۰: ۱۷۵). از دید محقق کرکی همکاری با سلطنت شیعی با استناد به فرضیه ضرورت صیانت از مصالح عمومی شیعیان روا بود (آبادیان و بیطرفان، ۱۳۹۲: ۱۹).

### از صفویه تا مشروطه

از آغاز عصر غیبت تا زمان شکل‌گیری حکومت شیعی صفوی، عموماً اندیشمندان اسلامی پیرو تشیع با دیده انتقاد به حکومت‌های مستقر می‌نگریستند تا این که در دوران پیدایش و بسط قدرت حکومت صفویان، برای نخستین بار فقهای شیعه به کسب اختیار در حوزه حکمرانی پرداختند و به این ترتیب یک الگوی قدرت دوگانه سلطان-فقیه در ایران به وجود آمد که در چهارچوب آن پادشاهان فرصت آن را می‌یافتند که با کسب حمایت از سوی مراجع شیعه جواز شرعی اعمال حاکمیت بر سرزمین‌های اسلامی را به دست آورند (کاتوزیان، ۱۳۹۹). در طی این دوران و در قالب این الگوی دوگانه از قدرت، شاهد نقش آفرینی فقهای شیعه نظیر کرکی و مجلسی هستیم که با به رسمیت شناختن صفویان، به عاملی برای کسب مشروعیت دینی پادشاهان صفوی مبدل گردیدند.

هر چند که با سقوط صفویان کارکرد الگوی قدرت دوگانه در سلسله‌های پادشاهی افشار و زند رو به افول گذاشت، با این وجود با تمرکز قدرت در سلسله پادشاهی قاجار بار دیگر فرصت آن به وجود آمد تا این الگوی دوگانه حکومتی به نقش آفرینی خود در ساختارهای پادشاهی حاکم بر ایران ادامه دهد (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۱۲۴). به این ترتیب، با تشکیل حکومت قاجار فرصت بازسازی روابط متقابل فقیه-سلطان به وجود آمد و بار دیگر نظام حکمرانی کشور در دایره تاثیر این ارتباط قرار گرفت. در این فرآیند، نقطه عطف در بازسازی این رابطه به قدرت رسیدن فتحعلی شاه بود که از روابطی نزدیک با فقها برخوردار شد که سرآمد آنها، ملا احمد نراقی، این گونه از نهاد سلطنت حمایت می‌کرد: «ای گروه شیعه! خود را ذلیل مسازید و به ورطه میندازید به سبب نافرمانی سلطان و فرمانروای خود. پس اگر عادل است از خدا درخواست کنید او را پاینده بدارد و اگر ظالم است از درگاه الهی مسئلت نمایید که او را به صلاح آورد که صلاح احوال شما در صلاح

سلطان شمامست. به درستی که سلطان عادل به منزله پدر مهربان است پس پسندید برای او آنچه از برای خود می پسندید و بالجمله وجود طبقه عالیه سلاطین از اعظم نعمای الهی است و قدر ایشان ندانستن کفران نعمت غیر متناهی است. پس تخم ایشان را در باطن کاشتن و ستون وجودشان را پیوسته به دو دست دعا برداشتن بر عالمیان واجب است. (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۷۵)

در این دوره اندیشه فقهای اصولی که به مسئله قدرت و لزوم اجتهاد باور داشتند بر روحانیون اخباری برتری یافتند و همزمان همین انعطاف و پویایی اندیشه در میان آنان سبب نزدیکی نهاد روحانیت و سلطنت در عصر قاجار گردید (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۱۶۶). در دوره فتحعلی شاه نوعی تمکین در برابر فرامین علما وجود داشت که بارزترین آن وقوع جنگ‌های دوره دوم ایران و روس بود که در پی صدور حکم جهاد از سوی علما عباس میرزا وارد جنگ با ارتش روسیه گردید و با شکستی فاحش رو به رو گردید (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۱۶۲). با این وجود، با آغاز فرآیند تجدیدپذیری در ایران که ناشی از گسترش روابط ایران و غرب بود، به تدریج الگوی قدرت دوگانه سلطان- فقیه با چالش مواجه شد. کاهش قدرت فقها در دوره محمدشاه و سپس در دوره صدارت میرزاتقی‌خان امیرکبیر نخستین اقدام رسمی حکومت قاجار در جهت نادیده انگاشتن الگوی قدرت دوگانه سلطان- فقیه بود. از سوی دیگر نقش فعال فقهای شیعه در جنبش تنباکو و لغو امتیاز تالیوت (رژمی) نقطه عطفی در افول الگوی قدرت دوگانه شاهان قاجار و فقهای شیعه بود. با وقوع انقلاب مشروطه الگوی قدرت دوگانه سلطان- فقیه اگرچه از سوی فقهای مشروطه‌خواه به‌ویژه آخوند خراسانی و نائینی مورد تردید جدی قرار گرفت لیکن کماکان از حمایت فقهای مشروطه‌خواه به‌خصوص شیخ فضل الله نوری برخوردار بود (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۱۶۷). شاید بتوان بخش مهمی از این اختلاف دیدگاه در میان فقهای عصر قاجار در زمینه مسئله قدرت را ناشی از توسعه اندیشه مبتنی بر قراردادهای اجتماعی دانست که تلاش داشت به تاسی از دیدگاه‌های ژان ژاک روسو با تقسیم قدرت سیاسی در کشور، از میزان اقتدار و قدرت نهاد سلطنت کاسته و بر مشارکت شهروندان در نهاد سیاست بیفزاید (جاویدی، ۱۳۹۸: ۴۵). به عبارت دیگر، به باور همایون کاتوزیان (۱۳۹۹: ۱۶۴) این امر نشان دهنده آن است که رابطه نهاد روحانیت و دستگاه سلطنت در دوره قاجار امری پیچیده بوده که نه می‌توان آن را نشانه همکاری روحانیون با نظام پادشاهی قاجار

و نه دشمنی آنان با یکدیگر دانست. چنانکه حسین زاده (۱۳۹۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده که رابطه متقابل سلطان-فقیه در دوره‌های مختلف همراه با فراز و نشیب‌های متعددی بوده که تحت تأثیر ساختار قدرت، منافع، و ضرورت‌های سیاسی قرار داشته است. به این ترتیب فقه شیعه در طول زمان فرصت آن را یافته است که با توجه به شناختی که از ساختار حکومت پادشاهان به دست آورده شیوه ارتباط و نگرش خود با نهاد سلطنت و حکومت را روزآمد نماید و به این ترتیب بر غنای نگرش فلسفی خود به مسئله حکومت بیافزاید. این امر نشان دهنده آن است که رابطه دوگانه سلطان-فقیه همواره سطوح بالایی از پیچیدگی قدرت سیاسی را به همراه داشته است.

بنابراین الگوی قدرت دوگانه سلطان-فقیه که از دوره صفوی آغاز شده بود در عصر قاجار با چالش جدی ناشی از گسترش تجدد و مشروطه‌خواهی مواجه شد. پیامد اصلی چنین چالشی، تحول و گسست الگوی مورد نظر در میان فقهای مشروطه‌خواه و مشروطه-خواه بود. در این فرایند تعدادی از علمای شیعه نظیر آخوند خراسانی و نائینی گذار از الگوی قدرت دوگانه غیر شرعی سلطان-فقیه به سمت الگوی غیر شرعی اما عادل نظام مشروطه حرکت کردند. در حالیکه علمای دیگری نظیر شیخ فضل‌الله نوری تداوم الگوی قدرت دوگانه سلطان-فقیه را به برقراری نظام غیرشرعی و سکولار (عرفی) مشروطه ترجیح می‌دادند.

آخوند خراسانی با تفکیک دو مفهوم «مشروع» و «مشروع»، کاربرد واژه مشروع در توصیف مشروطیت را نادرست می‌دانست. از نظری نظام مشروع؛ یعنی منطبق با شریعت یا حکومت اسلامی، تنها در صورتی امکان پذیر است که «متصدی عامه امور ناس و رتق و فتق کارهای قاطبه مسلمین و فیصله کافه مهام به دست شخص معصوم موید و منصوب و منصوص و مامور من عبدالله باشد». اما نظام سیاسی مشروع؛ یعنی آنچه در چارچوب شریعت می‌توان آن را روا دانست، در عصر غیبت نیز وجود دارد. به اعتقاد او نظام مشروطه، که در آن قانون حکمفرما است و قدرت سیاسی به قانون و خواست مردم محدود می‌شود، هرچند از نظر شرعی مجاز است ولی نمی‌توان آن را مشروع دانست (میرموسوی، ۱۳۹۹).

فی الواقع در پایان دوره فترت میان صفویان و قاجاریان در واپسین ربع سده هجدهم پیوندهای میان دولت و عالمان را عواملی چند عوض کرده بود. یکی از آنها، اندیشه نیابت

عامه» عالمان بود که به تقریب بر روی هم چیرگی یافته و فقه شیعه به نوعی تکامل دست یافته بود (سبحانی، ۱۴۱۹: ۳۷۸). چنانکه در نهایت در دوره مشروطه فقها توانستند میان مصلحت عمومی جامعه اسلامی و سلطنت به یک توازن فکری دست یابند که نتیجه آن تلاش برای محدود کردن قدرت پادشاهان قاجار بود. در دوره مشروطه فقها به دنبال آن بودند تا با استفاده از موقعیت جدید در مسیر تقلیل سلطنت به قوی مجریه گام بردارند و به تقویت نظارت بر سلطنت پردازند (نعیمیان، ۱۳۸۳: ۱۳۴).

### نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان دهنده آن است که می‌توان تاریخ ایران بعد از اسلام را با توجه به نقش آفرینی فقه شیعه در نظام حکمرانی به دو دوره مجزا و در عین حال متفاوت تقسیم نمود:

۱. از ابتدای ورود اسلام تا حمله مغولان و از بین رفتن دستگاه خلافت که با سرکوب شیعیان و محرومیت آنان از نقش آفرینی مستقیم در حکمرانی همراه بود؛
۲. دوره نقش آفرینی فعالانه فقهای شیعه در حکومت که از دوره ایلخانیان آغاز شده است و تا کنون ادامه دارد.

در مرحله نخست از تاریخ ایران کنش کنشگران در عرصه اجتماعی و سیاسی ایران کاملاً مشخص بود و از آنجا که خلیفه خود به عنوان رهبر سیاسی و دینی جامعه محسوب می‌شد و نماینده خدا بر زمین بود و از طرفی سیاست جامعه را در دست داشت از نظر عامه مردم مشروعیت الهی داشت و فرمان او فرمان خداوند محسوب می‌شد و بر این اساس بود که حکومت‌هایی که تشکیل می‌شد سعی داشتند به نحوی مشروعیت خود را از خلیفه مسلمین کسب نمایند. در این دوره علمای شیعه بیشتر به تقویت مبانی فقهی و علمی خود و تقیه می‌پرداختند و جز در مقاطع کوتاهی از تاریخ آن هم با ظهور دولت‌های شیعه به‌ویژه آل بویه حضور چندانی نداشتند. با حمله مغولان و فتح بغداد که نابودی دستگاه منسجم خلافت را در پی داشت حکومت‌های پادشاهی مستقلی به وجود آمدند که برای نخستین بار مشروعیت خود را از خلیفه به دست نمی‌آوردند. از این مرحله به بعد است که علمای شیعه به صورت علنی به حوزه سیاست و اجتماع وارد می‌شوند و تلاش می‌کنند تا با مشارکت در امور شرعی حکومت، ضمن اعطای مشروعیت به حاکم، زمینه را برای بسط و گسترش تشیع در سرزمین‌های زیر سلطه پادشاهان فراهم نمایند. به این ترتیب می‌توان

گفت رابطه سلطان-فقیه از بدو گسترش اسلام یک مسیر تکاملی را طی نموده است که در هر دوره تاریخی واجد شرایط ویژه‌ای بوده است. جدول شماره یک به صورت خلاصه ماهیت و ویژگی این ارتباط در دوره‌های تاریخی مختلف به نمایش گذاشته است.

جدول شماره ۱: الگوی رابطه سلطان- فقیه در چهار دوره تاریخی منتهی به پایان قاجاریه

ردیف	دوره زمانی	دیدگاه فقهی	فقهای سرشناس	عامل تاریخی موثر	دوره تاریخی	کنش سیاسی
۱	دوره نخست ( از ابتدا تا پیدایش صفویه)	ولایت انتصابی عامه فقها	علامه حلی شهید اول	پایان خلافت سلسله عباسیان	دوره حکمرانی ایلخانیان	همکاری مبتنی بر استیفای حقوق
۲	دوره دوم ( از ابتدای صفویه تا پایان این سلسله پادشاهی)	ولایت انتصابی فقها	محقق کرکی محقق اردبیلی فیض کاشانی	حکمرانی پادشاهان شیعه صفوی	رسمی شدن مذهب تشیع در ایران	همکاری بر اساس مآذون بودن پادشاه از جانب فقیه جامع الشرایط
۳	دوره سوم (پس از صفویان تا پیش از دوره مشروطه)	ولایت انتصابی عامه فقها	محقق نراقی صاحب جواهرشیرازی انصاری آل بحر العلوم	آغاز سلسله قاجاریه	ادامه به رسمیت شناخته شدن مذهب تشیع به عنوان دین رسمی	همکاری بر اساس مآذون بودن پادشاه از جانب فقیه جامع الشرایط
۴	دوره چهارم ( از آغاز مشروطه تا پایان سلسله قاجاریه)	ولایت انتصابی عام و ولایت محدود انتصابی فقهای شیعه	محقق نائینی آخوند خراسانی عبدالحمین لاری	قیام مشروطه و تاسیس مجلس ملی	تداوم نقش آفرینی مذهب تشیع به عنوان دین رسمی	نقش آفرینی سیاسی روحانیون در فرآیند مشروطه- خواهی

منبع: کلاتنری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۹.

اما نقطه گسست از الگوی سلطان-فقیه وقتی رخ داد که از یک سو امواج تجدد به جهان فکری ایرانی رسیده بود و از سوی دیگر، نظام سنت قدمایی توان رویارویی با تغییرات و تحولات نوآیین را نداشت. در چنین شرایط واگرایی در نیروهای ساختاری تاریخ شکل گرفت و رکن اول این رابطه (سلطنت) دچار فروپاشی شد، ولی رکن دوم (فقاها) که از سرچشمه وحی لایزال الهی تغذیه می شد توانست مناسبات جدید را درک و نظام فقهی را بر مبنای آن بازسازی کند که خروجی کار فقه مشروطه شد که مبنایی قرار

گرفت برای تحول آتی که همانا ظهور نظریه ولایت فقیه و شکل گیری انقلاب اسلامی بود که منجر به روی کار آمدن جمهوری اسلامی شد که در واقع آن دوگانه را رفع کرد و با نفی سلطان الجور به سلطان الحق در تاریخ تحقق بخشید. لذا می توان گفت که نگاهی به سیر حرکت تاریخی فقاهت خود دلیلی بر این مسئله است که دقیقاً در همین نقطه از تحولات هزار ساله فقهی نظریه ولایت فقیه بایستی متولد می شود و تولید این نظریه در دستگاه فقه شیعه دقیقاً نتیجه سیر منطقی تحولات تاریخی-تئوریک بوده که پیموده است.

## منابع و مأخذ:

- ابن جوزی (۱۴۱۲) **تاریخ المنتظم فی التاریخ الامم و الملوک**، بیروت: دارالکتب، ج ۱۵.
- اقبال، فرشید. (۱۳۴۸). **مکتب‌های سیاسی**. تهران: سبکباران.
- امین عاملی، محسن (بی تا) **اعیان الشیعه**، بیروت: دارالتعارف.
- آبادیان، حسین و بی‌طرفان، محمد. (۱۳۹۲). تحلیل مبانی مشروعیت و نامشروعیت نهاد سلطنت از دیدگاه علمای عصر صفوی. **پژوهشنامه تاریخ اسلام**، سال سوم، شماره ۱۰.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۱۳) **اصل الشیعه و اصول** ها، بیروت: مؤسسه الاعلی للمطبوعات.
- بروجردی، حسین (۱۳۸۶). **منابع فقه شیعه** (جلد ۲۲)، مترجم احمد اسماعیل تبار، و احمد رضا حسینی، و محمد حسین مهوری، و مهدی حسینیان قمی، تهران، انتشارات فرهنگ سبز
- جعفر المہاجر، (۱۴۱۰) **الهجرة العنابية الى ایران فی العصر الصفوی**، بیروت: دارالروضة.
- جعفر پینه فرد، مصطفی (۱۳۸۰) **پیشینه نظریه ولایت فقیه**، قم: دیرخانہ مجلس خیرگان رهبری، چاپ اول.
- جعفری هرندی، محمد (۱۳۶۸) "محقق کرکی شخصیت و آراء فقهی او"، **مجله علمی پژوهشی مقالات و بررسی‌ها**، شماره ۴۸-۴۷.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹) **صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۴) **دنباله جستجو در تاریخ تشیع ایران**، قم: انتشارات انصاریان.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷) **نقش خاندان کرکی در تأسیس و تداوم دولت صفوی**، تهران: نشر علم، چاپ اول.
- حبیب‌زاده، نکول و قساحی زفرقندی، علی. (۱۳۹۳). قدرت سیاسی؛ مطالعه تطبیقی در اندیشه لیبیرال و اسلامی. **مطالعات حقوق تطبیقی**، دوره ۵، شماره ۲ پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۳۷۸-۳۵۹.
- حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۷۹)، **علماء و مشروعیت دولت صفوی**، تهران: ناچمن معارف اسلامی.
- حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۰)، **اندیشه سیاسی محقق کرکی**، قم: بوستان کتاب.
- خواند میر، غیاث الدین (۱۳۳۳) **تاریخ حبیب‌الیر فی اخبار افراد البشر**، به اهتمام جلال‌الدین همای، تهران: کتابخانه پیام.
- خوانساری، محمدباقر (۱۹۸۶) **روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات**، قم: بی تا.
- خورشیدی، حسین. (۱۳۹۴). بررسی مبانی وجودی حکومت اسلامی. **حبل المتین**، سال چهارم، شماره ۱۱.
- رسائل الشریف المرتضی (۱۴۰۵) **المجموعه الثانیه**، تقدیم و اشرف السید احمد الحسینی، قم: دارالقرآن الکریم.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۷)، **سنت و مدرنیته**، تهران: نشر روزنه
- سلطان محمدی، ابوالفضل (۱۳۸۹) "اجابگاه سیاست در اندیشه شیخ بهل"، **مجله علوم سیاسی**، شماره ۱۸.
- شهید اول، محمد (۱۴۳۰) **الدروس الشریعه فی فقه الامامیه**، جلد ۱، قم: مرکز العلوم و الثقافة الاسلامیه.
- شیخ مفید (۱۴۱۳) **التکلیف الاعتقادیه**، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید. (س)
- شیخ مفید، (۱۴۱۳) **المفتمه**، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید. (ش)
- شیخ الاسلامی، محمد. (۱۳۷۸). حکومت اسلامی و رهبری آن از نظر امام خمینی (ره). **فصلنامه حکومت اسلامی**، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۷۸.
- صدر، سید محمد (بی تا) **تاریخ الفیقه الکبری**، اصفهان: مکتبه الامام علی علیه السلام.
- صدوق (شیخ صدوق)، محمدبن علی بن بابویه (۱۲۸۶) **علل الشرایع**، قم: کتابفروشی داری، چاپ اول.
- صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳) **من لایحضره الفقیه**، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی.
- صفت گل، منصور (۱۳۸۱) **ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی**، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- طباطبایی، سید جواد. (۱۳۹۴). **زوال اندیشه سیاسی در ایران**، تهران: کویر.
- عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی (۱۴۰۰) **القواعد و الفوائد**، قم: کتابفروشی مفید، چاپ اول.
- عاملی، بهاء‌الدین محمد (بی تا) **اربعین**، به اهتمام عقیقی بخشایشی، قم: دفتر نوبت اسلام.
- عاملی، بهاء‌الدین محمد (۱۳۱۷)، **المخالفات**، بیروت: دارالقلموس.
- عاملی، بهاء‌الدین محمد (بی تا) **کلیات**، تصحیح غلامحسین جواهری، تهران: انتشارات کتابفروشی محمودی.
- عبدالرزاق، محی‌الدین (۱۳۷۳) **شخصیت ادبی سید مرتضی**، ترجمه جواد محدثی، تهران: امیرکبیر.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۹۶۱) **رجال العلماء**، به اهتمام محمد صادق بحر العلوم، نجف: حیدریه
- علی محمدی، حجت الله (۱۳۸۸) **سیر تحول اندیشه ی ولایت فقیه در فقه سیاسی شیعه**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- علیخانی و همکاران، **اندیشه سیاسی متفکران مسلمان**، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۰.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷) **فقه سیاسی**، جلد ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱)، **قواعد کلی عقود کتاب البیع و المتاجر**، تهران: انتشارات خرسندی
- کاتوزیان، همایون. (۱۳۹۹). **ایرانیان**، ترجمه شهیدی. تهران: نشر مرکز
- کلاتری، ابراهیم؛ فرزانه پور، حسین و خسروی زارگر، مسلم. (۱۳۹۱). تحلیل و بررسی سیر تطور و تکمیل نظریه ولایت فقیه در اندیشه فقهایی شیعه، **پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، سال اول، شماره ۳.
- کلاتری، ابراهیم و پلباسی، میترا. (۱۳۹۷). مدل‌های حکومت قابل طرح بر اساس نظریه ولایت فقیه با تأکید بر اندیشه علمای شیعه

از عصر صفویه تا دوره معاصر. **جستارهای سیاسی معاصر**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال نهم. شماره چهارم. زمستان ۱۳۹۷. صص ۱۰۳-۱۳۲.

علی‌اطیای، سیدجواد (۱۳۸۵)، **مکتب تبریز**، تبریز، انتشارات ستوده الگار، حامد، **دین و دولت در ایران**، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: نشر توس.

گرچی، ابوالقاسم (۱۴۲۱)، **تاریخ فقه و فقه**، تهران، انتشارات سمت

گودین، رابرت؛ تیلی، چارلز، (۱۳۹۰)، **تحلیل سیاسی با تکیه بر شرایط و زمینه‌ها**، ترجمه رضا سیمیر، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق

لکدزایی، نجف (۱۳۸۶) **جائش سیاست دینی و نظم سلطانی با تأکید بر اندیشه و عمل سیاسی علمای شیعه در عصر صفویه**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

لمبتون، آن کاترین سواپن (۱۳۷۶) دولت و حکومت در اسلام، ترجمه عباس صالحی و محمدمهدی ققیبی، تهران: انتشارات عروج.

محمدحسین، جمشیدی. (۱۳۸۸). حکومت و رعایت؛ درآمدی بر فلسفه سیاسی حکومت در اسلام. دوره ۵، شماره ۲. (پیاپی ۱۰). پاییز و زمستان ۱۳۸۸. صص ۴۱-۶۷.

مرعج، حسین. (۱۳۷۹)، **اصطلاحات فقهی**، قم، انتشارات بخشایش

مدنی، علی‌خان (بی‌تا)، **سلافة‌النصر**، قم: انتشارات مکتبه مرتضویه. مشکینی، علی (بی‌تا). **مضطلحات الفقه**، بی‌جا.

مظفر، محمدرضا (۱۴۱۷) **عقاید الامامیه**، تحقیق و تعلیق محمدجواد الطریحی، قم: مؤسسه الامام علی علیه السلام.

موسویان، سید محمدرضا (۱۳۸۰) "اندیشه سیاسی شهید الو"، علوم سیاسی - باقرالعلوم (ع) شماره ۱۴.

میرموسوی، سیدعلی (۱۳۹۹)، حکومت عرفی در سنت فقهی شیعه، **نشریه اینترنتی ندای سیاست**

نصر، علی، (۱۳۷۹) "مقاله تحلیل فقهی رابطه سلطان و مادی از دیدگاه علم الهیدی سید مرتضی"، **پژوهش نامه انقلاب اسلامی**،

سال دوم، پیش شماره چهارم، صص ۱۸۲-۱۷۰.

نعیمیان، ذبیح الله. (۱۳۸۳)، نظریه‌های دولت بر بنیاد گفت‌وگو ثابت سیاسی شیعه در اندیشه سیاسی مرحوم محلاتی، نائینی، و حاج آقا نورالله اصفهانی. **آموزه**، سال سوم، شماره ۵.

هیندس، باری. (۱۳۸۰)، **گفتارهای قدرت از هابز تا فوکو**، ترجمه مصطفی یونس، تهران: شیزاه.

هیوود، اندرو. (۱۳۸۳)، **مقدمه نظریه سیاسی**، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران: قومس.

. Rosenthal, Erwin I. J. (1957), **Political Thought in Medieval Islam: An Introductory Outline**, Cambridge, Cambridge University Press